



کوتاه‌تر از گزارش

در مراسم اهدای تجهیزات بیمارستانی از سوی ستاد اجرایی فرمان امام <sup>(ره)</sup> به وزارت بهداشت مطرح شد

## موفقیت‌های بیشتر برای واکسن برکت

وزیر بهداشت و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام شایعات مطرح‌شده درباره واکسن کوو ایران برکت را رد کردند. وزیر بهداشت گفت واکسن کوو ایران برکت به‌مراتب از همه واکسن‌های ایرانی جلوتر حرکت می‌کند و در بهار سال جاری واکسن ملی به مردم تزریق خواهد شد. رئیس ستاد اجرایی فرمان امام هم گفت: نه‌فقط تولید واکسن ایرانی به مشکل نخورده بلکه در هفته گذشته، یکی از موفق‌ترین ایام درمدت چندماهه تولید واکسن راپشت سرگذاشته‌ایم. ۲۴ ساعت پس از اعلام نیاز وزارت بهداشت، روز گذشته در جلسه مشترکی با حضور وزیر بهداشت و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام، حواله ۴۰ دستگاه اکسیژن‌ساز ۶۰۰ لیتری و ۲۰۰ دستگاه بای‌پپ بیمارستانی جمعاً به ارزش حدودی ۵۰میلیارد تومان از سوی ستاد به وزارت بهداشت اهدا شد.

همچنین رئیس ستاد اجرایی فرمان امام دستور داد برای مقابله با موج جدید کرونا و کمک به جامعه سلامت، بزرگ‌ترین بیمارستان فوق تخصصی سیار ساخته‌شده توسط ستاد در دو بیمارستان مسیح دانشوری و بوعلی مستقرشود.



وزیر بهداشت در این نشست تصریح کرد: واکسن کوو ایران برکت به‌مراتب از همه واکسن‌های ایرانی جلوتر حرکت می‌کند و همان‌طور که وعده داده بودیم در بهار سال جاری واکسن ملی به مردم تزریق خواهد شد. وی با اشاره به برخی اظهارنظرها بیان کرد: گرچه برخی واکسن کرونا را به حربه سیاسی تبدیل کرده‌اند و به‌جای تقویت غرور ملی، تشکیک ایجاد کرده و ادعا می‌کنند علم پزشکی می‌دانند اما این افراد تاریخ پزشکی را مطالعه نکرده‌اند. ما درسال ۱۳۳۰ در انستیتو ژازی و درسال ۱۲۹۹ در انستیتو پاستور شروع به تولید واکسن کرده‌ایم. افرادی که عظمت و غرور ملی را به دلیل خوشامد فالان جریان سیاسی تخریب می‌کنند و به واکسن برکت و دانشمندان دارویی حمله می‌کنند یا مفرضند یا بی‌اطلاع هستند.

وزیر بهداشت تأکید کرد: قصد داریم به‌محض این‌که نتایج فاز دوم مطالعه بالینی واکسن برکت مشخص و تأیید شد، برای فاز سوم اجازه بدهیم جمعیت انبوهی را با واکسن ایرانی واکسینه و واکسیناسیون عمومی را از نیمه اردیبهشت آغاز کنیم.

در حاشیه این مراسم محمد مخبر نیز در پاسخ به سؤال خبرنگاران درخصوص اظهارنظری مبنی بر بروز مشکل درروند تولید واکسن برکت اظهارکرد: نه‌فقط تولید واکسن ایرانی به مشکل نخورده بلکه در هفته گذشته یکی از موفق‌ترین ایام درمدت چندماهه تولید واکسن را پشت سر گذاشتیم.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام بایان این‌که بحث تولید انبوه بسیار مهم‌تر از بحث تولید آزمایشگاهی است، بیان کرد: خط تولید سه میلیون دوز در ماه تکمیل‌شده و تـساو ل اردیبهشت یک‌میلیون دوز واکسن تحویل وزارت بهداشت خواهیم داد.

مخبر گفت: تا سه هفته پیش محققان دارویی ما ۱۰۰دوز واکسن از هر لیتر ویروس می‌گرفتند که به لطف خدا و تلاش شبانه‌روزی جوانان نخبه ستاد در روزهای اخیر این عدد جهش قابل‌توجهی یافت و به ۱۰۰۰دوز واکسن از هر لیتر ویروس رسید و این عدد قطعاً افزایش خواهد یافت.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام عنوان کرد: خط دوم کارخانه واکسن برای تولید ۱۲ تا ۱۵میلیون دوز واکسن کروناست که تجهیزاتش در حال نصب است و مصمم هستیم نصب و راه‌اندازی آن تا پایان خرداد تمام شود و در پایان تیر ۱۸ تا ۲۰ میلیون دوز ظرفیت تولید واکسن کرونا خواهیم داشت.

وی ادامه داد: دو کشور اروپایی و سه‌کشور منطقه به‌طور مکتوب و رسمی از ستاد اجرایی درخواست واکسن برکت را کرده‌اند، البته همان‌طور که قبلاً هم به مردم اعلام کردیم اولویت اول ما مردم کشورمان خواهند بود و پس از تأمین نیاز داخلی، صادرات را هم بررسی خواهیم کرد.

### هر ۵ دقیقه یک ایرانی، قربانی کرونا می‌شود

حمید سوری، رئیس کمیته کشوری اپیدمیولوژی کووید۱۹گفت: هر پنج دقیقه یک ایرانی، جانش را بر اثر کرونا از دست می‌دهد. وی افزود: مهم‌ترین و بیشترین مسیر انتقال کرونا از انسان به انسان است، بنابراین رعایت فاصله‌گذاری و شناسایی بیماران و قرنطینه آنها بسیار اهمیت دارد. سوری ادامه داد: ۵۰درصد مبتلایان و ناقلان ویروس بدون علامت هستند و ۳۰درصد هم علائم‌شان بسیار خفیف است و برای درمان مراجعه نمی‌کنند. / جام‌جم‌دیلی



این روزها که آمار ابتلا به کرونا ۳رقمی شده کمتر بیمارستانی را می‌توان پیدا کرد که تخت خالی برای بستری کردن بیمار داشته باشد

**عکس:**

**مهر**



تصمیمات اشتباه ، اظهارات ضدونقیض و ناهماهنگی دستگاه‌ها باعث شده وضعیت کرونا در بهار ۱۴۰۰ مانند پاییز گذشته قرمز باشد

# تکرار پاییز ۹۹

قفسه سینه زن سنگین است و با صدای خشك و خفهای بالا و پایین می‌رود. صدای نفس کشیدنش با ریتمی کند و کشدار، با صدای آب درون لوله کوچک دستگاه تنفسی، درهم آمیخته است. با هر نفس کشیدن، صدای غرشی خشن و خسته به گوش می‌رسد. دست زن در هوا مانده است، منتظر تا کسی کمکش کند زن مبتلا به کروناست و منتظر است تا تختی برای درمان خالی شود. این تصویر مشترک بسیاری از بیمارستان‌های کشور در روزهای اوج کروناست. دیروز ۲۴ فروردین، ۲۴ هزار و ۷۶۰ ایرانی به بیماری کرونا مبتلا شدند و ۲۹۱ نفر هم به‌خاطر ابتلا به بیماری جان خود را از دست دادند. دیروز در حالی تعداد قربانیان به ۳۰۰ نفر نزدیک شد که این آمار یادآور شرایط پاییز سال گذشته است، فصلی که لقب پاییز سیاه گرفته بود. آمار قربانیان دیروز بی‌شباهت به ۴ آبان و ۱۶ آذر نیست. در آن روزها به ترتیب ۲۹۶ نفر و ۲۹۴ نفر به‌خاطر ابتلا به بیماری کرونا جان باختند. درواقع می‌توان گفت در مبارزه با ویروس و مدیریت شرایط، شاهد عقب‌گردی مرگبار هستیم. برگشت به عقب و افزایش آمار در حالی اتفاق می‌افتد که حدود چهار ماه، آمار ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا کاهش چشمگیر پیدا کرده و ثابت مانده بود. وضعیت بستری افراد مبتلا به کرونا، درست شبیه به روزهای آبان و آذر است، روزهایی که بیماران بدحال کرونا با ماسک‌های اکسیژن بر صورت، چند شبانه‌روز منتظر بودند تا تخت بیمارستان، برای بستری خالی شود.



لیلا شوقی

جامعه

**بیمارستان مسیح دانشوری**

### تخت خالی غنیمت است!

این درحالی است که مسؤولان وزارت بهداشت بارها گفته‌اند نباید از همراه بیمار، برای مراقبت از بیمار مبتلا به کرونا استفاده کرد.

**رسیدگی‌ای نمی‌شود**

بخش پذیرش افراد مبتلا به بیماری کرونا در خارج از بیمارستان، در قسمت در شرقی بیمارستان قرار دارد. جلوی ساختمان قهوه‌ای‌رنگ يك طبقه شلوغ است. تمام صندلی‌ها پر از زنان و مردانی است که سخت نفس می‌کشند. درون محوطه کوچک هم سه خانم میانسال دراز کشیده‌اند. دستگاه اکسیژن به هر سه‌شان وصل کرده‌اند. مرد جوانی که کنار یکی از خانم‌ها نشسته، می‌گوید که از ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه صبح منتظرند تا تختی خالی شود. این هشتمین بیمارستانی است که به آنجا سر زده و جای خالی نداشته است.

مرد جوان مضطرب نگاه می‌کند به اطرافش و بعد می‌گوید: «هیچ‌کدام از پرستاران به مادرم دارویی ندادند و گفتند که مسؤولیت بیمار با خودمان است.» هرچند که مرد توضیح می‌دهد از پزشک بیمارستان خواسته برای‌شان دارویی تجویز کند تا از داروخانه تهیه کنند. داروی «رمد‌سیویر» را پزشک برای مادرش تجویز کرده است، اما هیچ داروخانه‌ای، دارو را ندارد. پسر جوان می‌گوید که برادرش از صبح بیش از نیمی از داروخانه‌های پایتخت را گشته، اما دارو را پیدا نکرده است. زن روی صندلی خشك و آهنی بی‌حال دراز کشیده و به سختی، زیر دستگاه تنفسی، نفس می‌کشد. شاید او به این فکر می‌کند که چرا مسؤولان وزارت بهداشت بارها اعلام کرده‌اند فرستادن همراهان بیمار برای تهیه دارو به خارج از بیمارستان تخلف است.

کمی آن‌طرف‌تر پرستار جوان، بی‌حال نشسته روی صندلی و جرت می‌زند. از دلیل خستگی که می‌پرسیم، می‌گوید که دو روز پشت سر هم، در بیمارستان شیفت است. چشم‌هایش نیمه‌باز و سنگین افتاده‌اند روی هم. صدای فریاد مردی می‌پیچد درون سالن کوچک. مرد جوان فریاد می‌زند و پرنده روی میز را هل می‌دهد.

چشم‌های پرستار باز می‌شود. مرد داد می‌زند: «باید پدرم را بستری کنید، همین حالا.» بعد با التماس و بغض می‌گوید

که دارد می‌میرد. هیچ‌کسی حرف نمی‌زند. پرستار می‌گوید که

تخت خالی ندارند. مرد دوباره داد می‌زند. پیرمردی که مرد به

او اشاره می‌کند، روی یکی از صندلی‌های محوطه دراز کشیده

است و با رنگ پریده، با دستگاه اکسیژن نفس می‌کشد.

پرستار گوشی را برمی‌دارد و شماره‌ای می‌گیرد. مرد راه می‌رود

و فریاد می‌زند. چند دقیقه بعد، دو مامور پلیس می‌آیند درون

ساختمان. هر سه داد می‌زنند. بیرون ساختمان، پدر مرد با

چشم‌های نیمه‌باز و نفس‌های تنگ، زل زده است به چراغ

گردون خودروی پلیس.

### سقف وام‌های دانشجویی افزایش می‌یابد

ناصر مطیعی، رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم از پیشنهاد افزایش سقف وام دانشجویی برای سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ خبر داد و گفت: وام‌های دانشجویی سال گذشته در قالب پنج وام (تحصیلی، ضروری، دکتری، مسکن، شهریه) تجمیع و ساماندهی شدند. وی ادامه داد: پیشنهاد افزایش سقف وام‌های دانشجویی برای سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دستور کار هیأت امنای صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم قرار دارد و برای مهرماه سال جاری اجرایی خواهد شد. /مهر

**بیمارستان امام خمینی (ره)**

### آمبولانس‌ها در صف

ساختمان نو، خالی و کم‌تردد است. کمتر کسی درون ساختمان «پذیرش بیماران کووید-۱۹» دیده می‌شود. پزشک بیمارستان نشسته و آرام و با حوصله مرد سرحالی را پذیرش می‌کند. وقتی از تعداد تخت‌های خالی می‌پرسیم، می‌گوید: «درون بخش تخت خالی داریم، اما در بخش آی‌سی‌یو نه.» اینجا بیمارستان امام خمینی (ره) است.

**ورود همراه آزاد است**

يك كانكس بزرگ گذاشته‌اند جلوی در اورژانس. در كانكس بزرگ باز است و ۱۲ تخت بیمارستانی، با دستگاه اکسیژن کنار تخت‌ها، كانكس را پر کرده است. جز دو تخت، همه تخت‌ها خالی‌اند. مرد جوانی، گپج نگاه می‌کند به اطرافش و بعد از كانكس بیرون می‌رود. مادرش را در بیمارستان بستری کرده‌اند. می‌گوید که تا حال مادرش بد شد، همه برادرهایش، مادر را سوار خودرو کردند و او را به بیمارستان آوردند. در بیمارستان متوجه شدند که مادرش کرونا دارد. مرد ماسک لاغری به صورت زده است. دو نفر از برادرانش هم بدون ماسک، مدام به داخل كانكس می‌روند و خارج می‌شوند، بعد اما همه پر سر و صدا جمع می‌شوند به دور تخت مادرشان. پرستاران و پزشك پشت میز پذیرش نشسته‌اند و بدون توجه، برای خودشان فرم‌هایی را پر می‌کنند. سوال که می‌کنیم، پرستارها سر هم بلند نمی‌کنند. یکی از پرستارها همراه زن را صدا می‌زند و بعد به او می‌گوید که باید ماسک اکسیژن را جلوی صورت مادرش بگذارد. به او می‌گوییم که همراهان بیمار اجازه دارند در کنار بیمارشان باشند؟ سریع جواب می‌دهد که اجازه دارند و بعد خودش را مشغول کاری نشان می‌دهد. همراه زنی که روی تخت خوابیده، آرام می‌گوید که پرستارهای اینجا دست به بیمار نمی‌زنند، خود همراهان باید کارهای‌شان را انجام دهند.

**در بیمارستان کرونا گرفتیم**

عصبانی پایش را تکان می‌دهد. مرد میانسال است و مدام پشت‌سر هم غر می‌زند. از این‌که همسرش به بیماری کرونا مبتلا شده، عصبانی است. می‌گوید که همسرش سرطان پستان دارد و چند روزی را در بخش بستری بوده، بعد اما به خاطر بی‌توجهی پرستاران، به بیماری کرونا مبتلا شده است. می‌گوید که ۱۴ ماه بیمار نشده بود، اما حالا آن‌قدر حال همسرش بد است که در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان بستری شده است. این اما تنها مشکل مرد میانسال نیست. مرد میانسال لهجه آذری دارد و از شهرهای شمال غربی به پایتخت سفر کرده است. می‌گوید که شب‌ها در خودرو می‌خوابد. هیچ هتل یا مسافرخانه‌ای را نزدیک بیمارستان پیدا نکرده و حالا از شب تا صبح را در خیابان‌های پایتخت می‌گذراند. هرچند که خودش هم احساس می‌کند نشانه‌های بیماری را دارد، سرش درد می‌کند و چند روزی است که مشکلات گوارشی دارد، اما می‌گوید این‌قدر حواسش در حال و روز همسرش است که هنوز تست کرونا نداده. این جمله را که می‌گوید، اشك در چشم‌هایش برق می‌زند. مرد دست می‌برد و از جیب کتش يك سیگار بیرون می‌آورد و همان‌جا، در سالن کوچک ساختمان اصلی بیمارستان روشن می‌کند. مامور انتظامی مرد را به بیرون بیمارستان هدایت می‌کند. مرد غرگنان، سرفه‌ای می‌کند. دود سیگار با هر سرفه به هوا می‌رود.

مرد و زن جوان نشسته‌اند روی صندلی‌های سخت بیمارستان. مرد ماسک نزده است، زن هم با ماسک لاغر و چند بار استفاده‌شده، صورتش را پوشانده است. هر دو لاغرند و لهجه مشهدی دارند. چهار روز پیش پدرشان را در بیمارستان بستری کردند. می‌گویند که از مشهد، یکرأسـت رانده‌اند تا به بیمارستان برسند. پدر را که به بیمارستان می‌رسانند، بهوش و با اکسیژن خون ۸۶ بستری‌اش می‌کنند. بعد اما مرد می‌گوید که آمپول ززند به او. آمپولی که البته خیلی گران برای‌شان تمام شده است. زن و مرد، هر دو چند لحظه‌ای فکر می‌کنند تا یادشان بیاید اسم آمپول چه بوده، بعد یادشان می‌افتد که اسم آمپول «رِسپِرِن» است. آمپولی که روزانه حدود يك میلیون تومان پولش را داده‌اند. مرد يك حساب سرانگشتی می‌کند و می‌گوید که تا به حال به‌جز هزینه‌های بستری، حدود سه، چهار میلیون تومانی را تنها برای دارو باید پرداخت کرده‌اند. حرف‌شان به هزینه‌های دارو که می‌رسد، دختر و پسر، هر دو نگاه خیره‌شان را می‌دوزند به دست‌های خالی و لاغرشان. کنار كانكس جلوی اورژانس شلوغ است. حالا چهار تخت كانكس پر شده است. مردی را که روی تخت بیمارستان خوابیده، به درون كانكس می‌برند؛ تخت پنجم كانكس هم پر می‌شود. سه آمبولانس دیگر، منتظرند تا بیماران‌شان را در بخش کرونا، بستری کنند.

**بیمارستان خاتم‌الانبیا (ص)**

### کرونا و هزار و یک مشکل

از دور هم می‌شود ساختمان هفت، هشت طبقه بلند را دید. جلوی ساختمان پر از خودروهای پارک‌شده است. سالی انتظار پر از زنان و مردانی است که روی مبل‌ها نشسته‌اند. اینجا بیمارستان خاتم‌الانبیا (ص) است.

سکوت سالن به یکباره شکسته می‌شود. مرد با هیجان و با لهجه جنوبی می‌گوید که باید به درون بخش برود. ماموران انتظامات اما اجازه نمی‌دهند که به درون بخش برود. می‌گویند که اگر کاری با بیمارشان دارد، با او تماس بگیرد؛ حضور و ملاقات اما مجاز نیست. مرد سری تکان می‌دهد و بعد روی یکی از صندلی‌های راحتی می‌نشیند.

مرد اهوازی است و از دو روز پیش، پسرش را در بیمارستان و در بخش افراد مبتلا به بیماری کرونا بستری کرده است. می‌گوید که همه اعضای خانواده در کنار هم، به خوبی و خوشی زندگی می‌کردند که به یکباره حال پسرش بد شد.

همه پزشـسکان اهواز گفتند که پسرش کرونا دارد، او اما باور نکرده و زمانی که حال پسرش بدتر شد، او را نشانده درون خودروی شخصی‌اش و رانده تا به تهران رسیده است. می‌گوید که حالا هم در بیمارستان بستری‌اش کرده‌اند. بعد اما تأکید می‌کند: «کرونا وجود ندارد، من که باور ندارم پسرم بیمار شده باشد. پس چرامن مریض نشدم؟» بعد می‌گوید که سال گذشته هم پسر دیگری بیمار شد و همه به او گفتند که باید قرنطینه شود. پسرش اما علائمی نداشت. او استدلال خود را دارد و می‌گوید که همه در اهواز حال‌شان خوب است و هیچ مشکلی هم ندارند. هرچند که می‌گوید، بیمارستان‌های شهرش شلوغ است و به‌خاطر همین راهی تهران شده، اما باز تأکید می‌کند که کرونا دروغ است. بعد خنده‌ای می‌کند و به عربی، سرحال و خوشحال جواب تلفنی را که زنگ خورده است، می‌دهد.

**دعا کنید کرونا نگیرم**

موهای سپید، سر مرد را پوشانده است. ایستاده جلوی در اتاقك کوچک و زل زده به برگه‌ای که در دست دارد. برگه‌ای که ۲۰ هزار تومان پولش را داده است. می‌گوید که به‌خاطر تست کرونا و ویزیت پزشك، حدود ۳۰۰ هزار تومان دست به جیب شده است. قبل از شیوع ویروس کرونا، کارگری می‌کرده است، دست‌های پینه‌بسته‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید که چند ماهی می‌شود به‌خاطر بیماری کرونا، از کار بی‌کار شده و به‌خاطر همین حق بیمه‌اش را قطع کرده‌اند.

حالا سردرد و گلودرد دارد و سینه‌اش هم سنگینی می‌کند.

بعد از ادای چند جمله، تـك سرفه‌ای می‌کند. عرق می‌نشیند روی پیشانی‌اش، دست می‌برد و برای لحظه‌ای ماسکش را پایین می‌کشد، عمیق نفس می‌کشد. نفس کم آورده است. صدای سرفه از درون اتاقك می‌آید، کسی سرفه‌ای می‌کند. صدای دیگری می‌گوید که بلند شو، تستت را گرفتـم و بعد پرستاری با ماسک و شیلد مردی را راهنمایی می‌کند به بیرون. نوبت مرد است تا تست کرونا دهد. مرد چشم‌های تنگش را می‌دوزد به نقطه‌ای و آه می‌کشد؛ بعد آرام، زیرلب زمزمه می‌کند:

«دعا کنید کرونا نگیرم.»